**جلسه 105**

**سه‌‌شنبه - 19/02/۹6**

**أعوذ باللّه من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم الحمد للّه ربّ العالمین و صلّی اللّه علی سیّدنا محمّد و آله الطاهرین سیّما بقیّة اللّه في الأرضین و اللعن علی أعدائهم أجمعین.**

راجع به نافله مغرب فرمودند که مشهور و لو گفته‌اند تا ذهاب حمره مغربیه وقت دارد اما اطلاق ادله اقتضاء می‌‌کند که تا نیمه شب وقت داشته باشد. این مطلبی است که مرحوم آقای خوئی و استاد بیان کردند بر خلاف نظر صاحب عروه وفاقا للمشهور که گفت وقت نافله مغرب تا زوال حمره مغربیه است.

تمسک کرد مرحوم آقای خوئی به اطلاق ادله. بعد فرمودند مؤید آن صحیحه ابان بن تغلب هست. در صحیحه ابان بن تغلب آمده است که امام علیه السلام در مزدلفه یک سال بلافاصله بعد از نماز مغرب نماز عشاء خواندند، سال دیگر بعد از نماز مغرب نافله مغرب را خواندند و بعد عشاء را خواندند. مزدلفه دو ساعت حدودا راه دارد تا این‌که انسان بعد از غروب آفتاب از عرفات پیاده یا با شتر بخواهد برود مزدلفه. دو ساعت بعد حضرت رسیده بودند آنجا حدودا، ابان بن تغلب می‌‌گوید صلیت خلف ابی عبدالله علیه السلام المغرب بالمزدلفة فقام فصلی المغرب ثم صلی العشاء و لم یرکع فی ما بینهما، نافله مغرب نخواند حضرت، ثم صلیت خفله بعد ذلک بسنة فلما صلی المغرب قام فتنفل باربع رکعات. این معلوم می‌‌شود که مشروع است نافله مغرب قبل از نماز عشاء و لو ذهاب حمره مغربیه شده باشد.

بله، افضل این است که بعد از نماز عشاء خوانده بشود، ‌اشکالی ندارد؛ حالا حضرت اقل ثوابا را انتخاب کردند لمصلحة و لو مصلحت این است که بیان کنند رخصت آن را، جواز آن را. علت این‌که می‌‌گوییم افضل است تاخیر صحیحه عنبسة بن مصعب هست: عن الرکعات التی بعد المغرب لیلة المزدلفة فقال صلها بعد العشاء. فرمودند بعد از عشاء بخوان این چهار رکعت نافله مغرب را. این ظاهرش این است که افضل است این.

این راجع به بحث نافله مغرب که خلاصش این است که مرحوم آقای خوئی و استاد تمسک کردند ابتدائا به اطلاق ادله نافله مغرب و بعد به این صحیحه ابان بن تغلب.

ما به نظرمان مهم تمسک به همین صحیحه ابان بن تغلب است و الا اطلاق در ادله نافله مغرب خیلی واضح نیست. خود آقای خوئی در اطلاق نوافل ظهر و عصر مناقشه کرد که اطلاقی داشته باشد به لحاظ وقت. راجع به نافله مغرب هم ادعا اطلاق مشکل هست. لاتدعهن فی سفر و لا حضر، نافله مغرب بعد از مغرب است، ترک نکن آن را چه در سفر چه در حضر، خب این‌که بیان اطلاق از حیث وقت نیست. بیان اهتمام به نافله مغرب است. لاتدعهن با شرائط که شاید یکی از شرائطش مراعات وقت است که قبل از ذهاب حمره مغربیه خوانده بشود.

پس مهم همین صحیحه ابان بن تغلب است. و البته مقتضای اصل برائت را هم ما در مستحبات برائت از شرائط مشکوکه می‌‌دانیم. اگر شک کردیم نماز نافله مغرب شرط صحتش این است که قبل از ذهاب حمره مغربیه خوانده بشود یا همچون شرطی ندارد، ‌برائت از وجوب شرطی این وقت خاص را جاری می‌‌کنیم کما بیّن فی الاصول وفاقا للسید الخوئی و الشیخ الاستاد و خلافا لجماعة منهم السید الصدر که قائلند برائت در اجزاء و شرائط مستحبات جاری نیست چون اثر عملی ندارد. شما اگر رجائا می‌‌خواهید نماز بخوانید که احتیاج به برائت ندارید. اگر می‌‌خواهید قصد امر جزمی کنید حق ندارید قصد امر جزمی کنید حتی بعد از جریان اصل برائت. این‌جور اشکال کردند چون برائت علم که نمی‌آورد شما قصد امر جزمی کنید. ما سعی کردیم در اصول از این اشکال جواب بدهیم. وارد بحث اصولی نمی‌شویم. مسئله پنج را دنبال می‌‌کنیم.

[سؤال: ... جواب:] دیگه احتمال را باید بگوییم نیست. ... در مزدلفه حضرت با این‌که ذهاب حمره مغربیه شد، افضل هم این است که بعد از عشاء بخوانیم، ‌حضرت قبل از عشاء نافله مغرب را خواندند. البته ممکن است شما بگویید شاید حضرت قضاء کرد نافله مغرب را ولی خیلی بعید است قضاء نافله مغرب اگر باشد، خب چرا قبل از عشاء؟ این‌که تطوع در وقت فریضه می‌‌شود. خلاف متفاهم عرفی است که احتمال بدهیم حضرت در سال دوم نافله مغرب را که بعد از ذهاب حمره مغربیه خواندند نیت قضاء کردند. این احتمال بعید است. ظاهرش این است که نیت اداء‌ کردند و مزدلفه هم خصوصیت ندارد عرفا. اما اگر شما این‌جور سخت‌گیری بکنید که نتیجه‌اش این می‌‌شود که علی می‌‌ماند و حوضش در فقه، ‌دیگه اینقدر جمود بر این خصوصیات، دیگه باید دنبال اطلاق در ادله نوافل مغرب بروید که بحثش گذشت.

[سؤال: ... جواب:] یعنی طی الارض کرده باشد حضرت؟ آخه این‌ها عرفی نیست. ابان بن تغلب همراه حضرت بود، حدودا دو ساعت طول می‌‌کشد از عرفات تا مزدلفه بیایند بدون ماشین.

**نافله عشاء**

مسئله 5: وقت نافلة العشاء و هی الوتیرة یمتد بامتداد وقتها.

صاحب عروه می‌‌گوید اما نافله عشاء تا نیمه شب وقت دارد. اولی این است که خیلی فاصله نیدازند بین نماز عشاء و وتیره.

این هم موافق با نظر مشهور است.

صاحب جواهر گفته نه، ما نذر نکردیم همه جا موافق مشهور بشویم. ظاهر بعد العشاء بعدیت عرفیه است. نمی‌شود که نماز عشاء را اول شب بخوانیم بعد مشغول تماشای تلویزیون بشویم، ‌نزدیکی‌های نیمه شب بگوییم بچه جان! آن مهر را بیاور دو رکعت نافله عشاء بخوانم. اینقدر فاصله که معهود نیست.

مرحوم آقای خوئی فرموده که بعید نیست این روایاتی که دارد که رکعتین بعد العشاء، انصراف داشته باشد از این تاخیر فاحش. ولی دلیل که منحصر به این نیست. دلیل‌هایی داریم که لفظ بعد در آن نیامده است. مثل صحیحه زرارة: قال ابوجعفر علیه السلام من کان یؤمن بالله و الیوم الآخر فلایبیتنّ الا بوتر. کسی که ایمان به خدا و قیامت دارد قبل از خواب نماز وتر را بخواند. ایشان می‌‌فرمایند در روایت هم که وتر را تفسیر کردند به وتیره عشاء. پس حرف مشهور درست است. با فاصله زیاد هم از نماز عشاء وتیره عشاء را بخوانید اشکال ندارد. البته فرمودند دیگه از نیمه شب تاخیر نیندازید. بعید نیست که دیگه نیمه شب که شد، وقت نماز وتیره عشاء بگذرد. از آقای خوئی می‌‌پرسند حتی اگر نماز عشاء تا اذان صبح وقتش ممتد باشد یا للمضطر، باز هم می‌‌گویید نافله عشاء را از نیمه شب تاخیر نیندازند؟ ایشان می‌‌گوید بله. چرا؟‌ بخاطر همین روایت: فلایبیتن الا بوتر. بیتوته قبل از نیمه شب می‌‌شود. خب کسی تا ساعت یک نصف شب بیدار بماند بعد دو رکعت نماز نافله عشاء‌ بخواند بخوابد به این می‌‌گویند قبل از بیتوته نافله عشاء‌ خواند؟ این بیتوته است؟ خواب سحرگاهی که بیتوته نیست. بیتوته خواب در شب است. همان متعارف بین مردم که قبل از نیمه شب می‌‌خوابند. در خود روایات بیتوته در منی بیتوته بر نیمه اول اطلاق شده که فان بتّ‌ فی من فلابأس ان ینتصف اللیل و انت فی غیر منی. اگر بیتوته کردی در منی اشکال ندارد که نیمه شب که شد خارج بشوی از منی.

راجع به این فرمایش آقای خوئی باید حساب کنیم:

اما این‌که فرمودند که آن روایاتی که دارد که رکعتین بعد العشاء، تؤدان برکعة واحدة، آن قبول داریم انصرافش را به این‌که فصل طویل نشود بین نماز عشاء و نماز وتیره. به نظر می‌‌رسد که نه، ‌وجهی برای انصراف نیست. عرض کردم طواف بعد الحج و هو طواف النساء، باید حتما فصل طویل نشود بین آخرین مناسک حج با طواف نساء؟ فقیهی به این ملتزم شده است؟ نه. طواف بعد الحج و هو طواف النساء. اینجا هم رکعتان یؤدان برکعة بعد العشاء و لو با فاصله چند ساعت. اطلاق دارد.

[سؤال: ... جواب:] گاهی قرینه عرفیه است. اگر بگویند بعد از اذان مغرب افطار بخورید یعنی حتما بلافاصله بعد از اذان مغرب؟ حالا اگر کسی ساعت ده بیاورد افطار بخورد شما می‌‌گویید چرا رعایت بعدیت نکردید؟ ... چرا قرینه می‌‌گیرید بعدیت را بر فوریت؟‌ قرینه بر فوریت اگر نبود ظاهر بعدیت ترتیب است. ... ببینید!‌ قبول دارم برای بیان زمان گاهی همین هست که ‌شب قبل بیاید نمی‌گویند قبل از ظهر آمد. شب بیاید نمی‌گویند بعدازظهر آمد. این‌ها بیان زمان است. اما اگر بگویند بعد از این‌که چک شما وصول شد بیا معامله کنیم، حالا بعد از ده روز از وصول چک آمد، به او بگوید نه، ده روز فاصله شد از زمان وصول چک، برو، ‌دیگه با تو معامله نمی‌کنم، این عرفی نیست. این بعدیت اگر قرینه خاصه نداشته باشد ظهور دارد در ترتیب. الا ان هذه قبل هذه، ‌نماز عصر باید بعد از نماز ظهر باشد، حتما باید با فاصله باشد؟ و لو با تاخیر فاحش.

[سؤال: ... جواب:] و رکعتان بعد العشاء. می‌‌گوید بعد از نماز عشاء بخوان. در مقابل نافله ظهر و عصر که قبل الظهر و قبل العصر هست، این بعد العشاء هست. مثل نافله مغرب که بعد المغرب است.

اما این‌که ایشان فرمود که روایت من کان یؤمن بالله و الیوم الآخر فلایییتن الا بوتر، این اطلاق دارد، ‌بله، ‌قبول داریم اطلاق دارد. اما به شرط این‌که وتر به معنای صلات وتیره باشد. خود شما در بحث‌های گذشته فرمودید که وتر ظهور دارد در نماز وتر نماز شب و این روایتی که وتر را در این فلایبیتن الا بوتر تفسیر کرده به وتیره عشاء، گفتید سندش ضعیف است. صدوق در علل الشرائع نقل می‌‌کند از علی بن احمد از محمد بن ابی عبدالله از موسی بن عمران از حسین بن یزید از علی بن ابی حمزة از ابی بصیر عن ابی عبدالله علیه السلام که: من کان یؤمن بالله و الیوم الآخر فلایبیتن الا بوتر قلت تعنی الرکعتین بعد عشاء الآخرة؟ قال نعم. خب این‌که اکثر رواتش مجهولند. حالا علی بن ابی حمزة را بشود درست کرد که آقای خوئی قبول ندارد ضعیف می‌‌داند، ‌بقیه روات را که نمی‌شود درست کرد.

بله‌، ما همان موقع که بحث می‌‌کردیم گفتیم انصافا لایبیتن الا بوتر ظاهرش این است که قبل از بیتوته نماز وتر را بخوانند و وقتی می‌‌گویند لایببت الرجل الا علی کذا معنایش این است که قبل از دخول در بیتوته نه قبل از تمام شدن بیتوته، ‌قبل از دخول در بیتوته این کار را انجام بدهد. ما نماز وتر از نماز شب را که در آخر بیتوته شب می‌‌خوانیم.

[سؤال: ... جواب:] می‌‌گوید تا صبح نخواب؟! خود پیامبر تا صبح نمی‌خوابید که ما نخوابیم؟ ... فلایبیتن ظهور در دخول بیتوته دارد نه در انتهاء بیتوته. فلایبیتن یعنی بیتوته نکند الا علی وتر. ... مثل فلاینامنّ الا علی وتر. ... مثلا بگویند من کان یحب بطنه فلایبیتن الا علی سحور، کسی که شکمش را دوست دارد، ‌سلامتیش را دوست دارد بیتوته نکند مگر بر سحری خوردن، این عرفی است؟ چون قبل از اذان صبح سحری می‌‌خوریم، این عرفی است؟ عرف این را نمی‌گوید. عرف از فلایبیتنّ، ‌روایات زیادی هم داشتیم مؤید این مطلب که استفاده می‌‌کند عرف یعنی قبل از شروع بیتوته این کار را بکند. ... می‌‌گوید ینبغی للرجل اذا اسنّ ان لایبیت الا و جوفه من الطعام ممتلئ، ‌چه جور معنا می‌‌کنید. مرد مسن سزاوار است که بیتوته نکند مگر با شکم پر. ... خب اگر سحری بخورد تا نیم ساعت به اذان صبح گرسنه بماند، ‌بیدار بشود سحری بخورد، خب این امتثال کرده این حکم را، پس فلایبیتن الا علی وتر هم کافی نیست که قبل از اذان صبح بلند شود نماز وتر بخواند. یعنی دخول در بیتوته نکند مگر با نماز وتر و این قرینه می‌‌شود که مراد از نماز وتر همان وتر عشاء هست که از آن در کلمات فقهاء تعبیر شده به وتیره عشاء.

و لذا ما این استدلال را قبول داریم. اما آقای خوئی نباید قبول می‌‌کرد. یا حالا ممکن است بگویید عدول کرده از آن نظر سابقش، اما باید وجه عدول مشخص می‌‌شد. حدیث علی بن ابی حمزة که صحیح نشد، ‌باید وجهش را ذکر می‌‌کرد آقای خوئی که ذکر نکرده.

[سؤال: ... جواب:] آخه استدلال کرده است ایشان به این روایت علی بن ابی حمزة، می‌‌گوید در روایات تفسیر شده به وتیرة العشاء، خب این‌که روایتش ضعیف السند است، ‌باید مثل ما می‌‌فرمود اصلا ظهور فلایبیتن الا بوتر در این است که حدوث بیتوته باید بعد از نماز وتر باشد که طبعا می‌‌شود نماز وتر عشاء نه نماز وتر شب که قبل از اذان صبح است و معنا ندارد که بگویند کسی که ایمان به خدا و روز قیامت دارد قبل از خوابیدن باید نماز وتر نماز شب را بخواند. خود پیغمبر اکرم قبل از اذان صبح نماز وتر را می‌‌خواند. بعد از نماز عشاء کان یذهب الی فراشه و لایصلی حتی ینتصف اللیل، تا نیمه شب می‌‌خوابید حضرت، ‌نیمه شب بلند می‌‌شد، مسواک می‌‌زد، ‌وضوء می‌‌گرفت، چهار رکعت نماز شب می‌‌خواند، ‌باز دومرتبه می‌‌خوابید، مقدار می‌‌خوابید بلند می‌‌شد، مسواک می‌‌زد، وضوء می‌‌گرفت، ‌چهار رکعت دیگر نماز شب می‌‌خواند، ‌باز می‌‌خوابید، بعد آخر شب بلند می‌‌شد نماز شفع و وتر را می‌‌خواند حضرت، نماز وتر را می‌‌گذاشتند نزدیک طلوع فجر می‌‌خواندند نه این‌که قبل از حدوث بیتوته می‌‌خواندند. پس این لایبیتن الا بوتر وتیره عشاء هست.

[سؤال: ... جواب:] راجع به آن بیتوته در منی، آن دارد: ان بتّ فی منی، نمی‌گوید لایبیت بمنی الا و قد فعل کذا. او می‌‌گوید ان بات فی منی، ‌اول شب، بعد از نیمه شب می‌‌تواند بیرون برود. نمی‌گوید لایبیت بمنی الا علی کذا. و الا اگر می‌‌گفت لایبیت بمنی الا علی کذا می‌‌گفتیم قبل از این‌که بیتوته کند در منی این کار را بکند. آنجا به نحو فعل ماضی گفته ان بات، ‌یعنی بیتوته محقق بشود اول شب، بعد از نیمه شب می‌‌تواند از منی خارج بشود. قیاس مقام به بیتوته در منی قیاس مع الفارق است.

اما راجع به این‌که بعد از نیمه شب نافله عشاء را دیگه نمی‌شود خواند:

اینی که آقای خوئی فرمودند، بعید نیست انصراف داشته باشد این روایات از نافله بعد از نیمه شب. ولی دلیلی که ایشان ذکر کرد قانع کننده نیست. ایشان فرمود که لایبیتنّ الا بوتر، قبل از بیتوته باید نماز شب را بخواند، خب یک کسی می‌‌گوید آقا! ما در روایات داریم: شما اگر اول شب را خارج منی بودی در آن شب یازدهم و دوازدهم یا بر عکس، اول شب را در منی بودی تا نیمه شب، فلابأس ان تبیت فی غیر منی، ‌اگر اول شب را تا نیمه شب داخل منی بودی، فلابأس ان تبیت فی غیر منی. برای بعد از نیمه شب هم تعبیر به بیتوته کرده. شما می‌‌گویید فلایبیتن الا بوتر صدق نمی‌کند که انسان ساعت یک نافله عشاء را بخواند و بعد بخوابد، در روایات بیتوته منی که دارد که اگر تا نیمه شب در منی بودی، لابأس ان تبیت فی غیرها، می‌‌توانی در غیر منی تا بعد از نیمه شب بیتوته کنی. این اشکال ممکن است به آقای خوئی وارد بشود.

ولی انصاف قضیه این است که ظهور اطلاقی لایبیتن الا علی وتر این است که قبل از تحقق عرفی بیتوته نماز نافله عشاء‌ را بخواند. و ما آنی که دلیل داریم این است که اول شب لازم نیست اما دیگه بعد از نیمه شب هم می‌‌تواند نافله عشاء بخواند تا اذان صبح، این انصافا خلاف ظهور اطلاقی فلایبیتن الا بوتر هست. ما ادعای انصراف را قبول داریم؛ از نیمه شب انصراف دارد مشروعیت نافله عشاء.

یک مطلب هم صاحب عروه گفته او را هم عرض کنم.

صاحب عروه گفته اولی این است که آخرین نمازی که می‌‌خوانید نماز وتیره عشاء باشد. بعد از نماز عشاء دوست داری نماز مستحب بخوانی، بخوان، خدا قبول کند ان‌شاءالله، اما اذا اراد فعل بعض الصلوات الموظفة فی بعض اللیالی بعد العشاء، ‌بعضی از نمازهایی که وارد شده در برخی از شب‌ها، ‌این قبل از وتیره عشاء خوانده بشود، وتیره عشاء بشود آخرین نماز که بعد از او دیگه نماز نمی‌خوانی.

این فرمایش صاحب عروه ظاهرا دلیلش صحیحه زراره است که می‌‌گوید و لیکن آخر صلاتک وتر لیلتک، آخرین نمازت را نماز وتر عشاء باشد، نماز وتیره عشاء باشد. این‌جور معنا کردند. ولی وقتی روایت را بررسی می‌‌کنیم می‌‌بینیم اشتباه معنا کردند. کی معنای و لیکن آخر صلاتک وتر لیلتک این است که نماز وتیره عشاء آخرین نمازت باشد در امشب؟ کی معنایش این است؟

روایت را کامل ببینید!: اذا اجمتع علیک وتران أو ثلاثة أو اکثر فاقض ذلک کما فاتک تفصل بین کل وتر بصلاة لان الوتر الآخر لاتقدمن شیئا قبل اوله الاول فالاول تبدا اذا انت قضیت صلات لیلتک ثم الوتر، بعد ادامه دارد که: و قال ابو جعفر علیه السلام لایکن وتران فی لیلة الا و احدهما قضاء و قال ان اوترت من اول اللیل و قمت فی آخر اللیل فوترک الاول قضاء و ما صلیت من صلات فی لیلتک کلها فلیکن قضائا الی آخر صلاتک فانها للیلتک و لیکن آخر صلاتک الوتر وتر لیلتک.

بحث در وتر نماز شب است. می‌‌گوید آخرین نمازی که می‌‌خوانی در شب، نماز وتر نماز شبت باشد نه وتر قضاء. وتر لیلتک باشد نه وتر لیالی سابقه. اولش هم گفت اگر دو نماز وتر می‌‌خوانی اولی را قضاء بده، آخری را اداء بده. روایت صریح در این مطلب است. می‌‌خواهد بگوید آخرین نماز وتر که می‌‌خوانی در نماز شب، نماز وتر قضاء شب‌های گذشته نباشد. و لیکن آخر صلاتک الوتر، آخرین نماز وتر تو، ‌وتر لیلتک، ‌نماز وتر امشب باشد نه نماز وتر قضاء شب‌های گذشته. خب این چه ربطی دارد به این تفسیری که کردند که و لیکن آخر صلاتک وتر لیلتک، آن معنایی که کردند آخرین نمازی که امشب می‌‌خوانی نماز نافله عشاء باشد. معنایش این نیست که. رجوع نکردند به متن اصلی و حدیث بطور کامل؛‌ دچار اشتباه شدند.

**نافله صبح**

مسئله 6: وقت نافله الصبح بین الفجر الاول و طلوع الحمرة المشرقیة.

صاحب عروه می‌‌گوید که وقت نماز نافله صبح که قرآن هم اینقدر تاکید کرده: و قرآن الفجر ان قرآن الفجر کان مشهودا، در برخی از تفاسیر به ذهنم هست تفسیر شده به نافله فجر، نافله فجر وقتش از اذان صبح است تا طلوع حمره مشرقیه. قبل از طلوع آفتاب، در شرق حمره‌ای پدید می‌آید، ‌حدودا یک ربع الی بیست دقیقه به طلوع آفتاب یک حمره مشرقیه‌ای پدید می‌آید. مشهور می‌‌گویند دیگه بعد از او نافله صبح را نخوانید؛ مشروع نیست.

این بحث دو تکه دارد: تکه اولش مبدأ وقت نافله صبح است. تکه دومش منتهای وقت نافله صبح است. راجع به مبدأ نافله صبح صاحب عروه طبق مشهور گفته از اذان صبح است. بعد ادامه داده، گفته و یجوز دسّها، می‌‌توانید دسیسه کنید. چه بکنیم؟ و یجوز دسها فی صلاة اللیل قبل الفجر. اگه می‌‌خواهید نافله صبح را قبل از اذان صبح بخوانید دسیسه کنید، این نافله فجر را آخر نماز شب بخوانید و لو نماز شب‌تان اول شب باشد، مثل این‌که گفتند برخی اختیارا هم جایز است نماز شب اول شب، برخی گفتند در سفر جایز است، برای پیرمرد جایز است. می‌‌تواند همان نماز شب را که می‌‌خواند بعدش بلافاصله نافله فجر را بخواند بگیرد بخوابد، بعد نماز صبح که بلند شد فقط نماز صبح را بخواند. الا ان الافضل اعادتها فی وقتها. ولی افضل این است که اگر این‌جور نماز نافله فجر را خواندی اعاده کنی بعد از نماز صبح.

مرحوم آقای خوئی فرمودند به لحاظ اول وقت، ما ملتزمیم به این‌که اگر می‌‌خواهید کنار نماز شب بخوانید اشکال ندارد، اما اگر کنار نماز شب نمی‌خوانید، باید قریب به اذان صبح بخوانید، لازم نیست بعد از اذان صبح بخوانید، ‌قریب به اذان صبح بخوانید. اختلاف ایشان با صاحب عروه این است: صاحب عروه می‌‌گوید اگر در نماز شب داخل نکنید نافله صبح را که بعد از نماز وتر نافله صبح را بخوانید بدون فصل طویل باید نافله فجر را بعد از اذان صبح بخوانید. آقایی خوئی می‌‌گویند نه، نزدیکی‌های اذان صبح که عرفا بگویند نافلة الفجر می‌‌توانید بخوانید. اما کسی که نماز شب نمی‌خواند بیاید ساعت دو نصف شب یا سه نصف شب بگوید حالا دو رکعت نافله صبح بخوانم، نمی‌شود. یا باید دس کنید در نماز شب، کنار نماز شب بخوانی یا قبیل طلوع فجر و بعد از آن بخوانید. آقای خوئی فرمودند ما این را از روایات استفاده کردیم:
صحیحه بزنطی می‌‌گوید: قلت لابی الحسن علیه السلام رکعتی الفجر اصلیهما قبل الفجر او بعد الفجر؟ قال ابوجعفر علیه السلام أحشُ بهما صلاة اللیل و صلهما قبل الفجر. احش یعنی داخل کن، از حشو می‌آید، حشو یعنی داخل کردن. احش بهما صلاة اللیل. این نافله فجر را کنار نماز شب قرار بده که بشود حشو و صلهما قبل الفجر و در این صورت می‌‌توانی قبل از اذان صبح نافله فجر را بخوانی.

صحیحه زرارة عن ابی جعفر علیه السلام: قال سألته عن رکعتی الفجر قبل الفجر او بعد الفجر فقال قبل الفجر انهما من صلاة اللیل، نافله فجر جزء نمازهای شبانه است، ثلاث عشر رکعة صلاة اللیل، نماز شبانه، همان صلاة اللیل، یازده رکعت نیست سیزده رکعت است، دو رکعتش همین نافله فجر است.

آقای خوئی فرمودند این دو تا روایت راجع به دس نماز نافله فجر در نماز شب. اما بدون دس مستقلا بخواهید نافله فجر را بخوانید یا بدون نماز شب یا با فصل طویل از نماز شب، ‌او جایز نیست مگر قبیل طلوع فجر. چرا؟ برای این‌که ایشان می‌‌فرمایند اگر بخواهید با تقدیم فاحش از اذان صبح این دو رکعت را بخوانید دیگه نامش نافلة الفجر، قرآن الفجر نیست. نافله فجر گفتند بخوان نه نافله شب.

بعد هم گفتند مؤیدش هم روایت محمد بن مسلم است: سألت اباجعفر علیه السلام عن اول وقت رکعتی الفجر قال سدس اللیل الباقی، یک ششم آخر شب، یک ششم آخر شب، آقای خوئی این‌جور حساب می‌‌کند، یک ششم آخر شب می‌‌گوید آخر شب کی تمام می‌‌شود؟ با طلوع شمس، آخر شب با طلوع شمس تمام می‌‌شود، یک ششم شب حدودا سه ساعت و نیم الی چهار ساعت هست که نصفش می‌‌شود ما بین طلوع الفجر و طلوع الشمس، ‌نصف دیگرش می‌‌شود قبل از آن. یک ششم شب از غروب آفتاب حساب کن تا طلوع آفتاب، ‌یک ششمش اگر شب دوازده ساعت باشد، یک ششمش می‌‌شود دو ساعت. اگر بیشتر باشد بیشتر. سدس لیل باقی می‌‌شود همان یک ساعت قبل از اذان صبح. چون از دوازده ساعت دو ساعت می‌‌شود سدس اللیل. یک ساعتش که بین الطلوعین است، یک ساعت هم قبل از بین الطلوعین، می‌‌شود سدس اللیل الباقی.

تامل بفرمایید. البته این روایت سندش ضعیف است. ایشان به عنوان مؤید ذکر کرده. ببینیم فرمایش ایشان درست است یا نه.